این صفحه پیام‌ها، متن‌ها، عکس‌نوشت‌ها و خبرهای کوتاه منتشر شده در فضای مجازی را بازنشر می‌دهد. تلاش بر این است که دیدگاه‌ها و نظرات کاربران اندیشمند شبکه‌های اجتماعی در عرصه مکتوب هم دیده شود.

سبوی دوست

زندگی را بفهمید

علامه محمد تقی جعفری(ره):
بیایید پیش از آنکه به آستانه مرگ برسید زندگی را بفهمید و از آن بهره‌برداری کنید. پیش از اینکه ما به آستانه مرگ وارد بشویم باید بفهمیم زندگی چیست... اسلام در جهت هماهنگ ساختن عقل و وجدان شما در زندگی، کوشش می کند که ابتدا معنای زندگی را به شما بفهماند. پس از آن است که مرگ را خودتان خواهید فهمید. مرگ فهماندن نمی‌خواهد، خودش معلوم می‌شود. وقتی من توانستم به شما معنای روشنایی را ثابت کنم، یا معنای روشنایی را برای شما قابل درک ساختم، آنگاه می گویم، نفی و نبود روشنایی، می‌شود تاریکی؛ این دیگر آسان است. عمده بحث بر سر همین و زندگی است. والا: مرگ هر یک ای پسر همرنگ اوست/ پیش دشمن، دشمن و بر دوست دوست!
منبع: کانال تلگرامی «علامه جعفری» به استناد کتاب امام حسین شهید فرهنگ پیشرو انسانیت صفحه ۱۸۱ و ۱۸۲

چرا امسال از تفرقه‌افکنی میان ایران و عراق خبری نیست؟

یکی از کانال‌های تلگرام نوشت: اربعین در پیش است، ولی دقت کردید هیچ خبری از تفرقه‌افکنی میان ایران و عراق، کتک خوردن فلان ایرانی در عراق، یا مثلاً توهین چند تا عراقی توی بازار ایران به فلان مغازه تو اهواز یا فلان شهر دیده نمیشه؟! دقت کردید که متنی کلیپی حرفی حدیث تفرقه‌انگیزی از جملات کلید واژه «صیغه خانه» و «مشهد» و «گردش چند تا عرب» و «ناموس ایران» و «ایرانی وطن‌پرستی» و اینطور کلید واژه‌ها نیست؟ دقت کردید هر سال دم اربعین توی پیج و وضعیت و کلام و سخن اسلام‌ستیزان براندازِ و آریایی‌های دو آتیشه، شهدای جنگ ایران و عراق یهویی مظلوم و عزیز میشدن و یهویی تعداد شهدا به چشمشون می‌اومد؟ اونم جماعتی که در طول سال اصلاً یادشون نبود شهید کیه و شهادت چیه؟! اصلاً دقت کردید امسال، هیچ دوربینی از صف چند کامیون فلان محصول گرونقیمت یا کمیاب که در حال صادرات به سمت عراق هستن، فیلمبرداری و گزارشی تهیه نمی کنه! اصلاً دقت کردید امسال شبکه‌های بی‌بی‌سی عربی برعکس پارسال واسه عرب‌ها هیچ گزارش تفرقه‌انگیزی از حضور ایرانی‌ها در عراق برای عشق و حال و صیغه کردن دختران عراقی گزارشی پخش نمی کنه؟ اصلاً امسال دقت کردید که این دم اربعین هیچ براندازِ و اسلام‌ستیزی دلسوز فقرا نشد؟! دقت کردید این دم اربعین، هیچ دو تصویر چسبیده به هم از یک کودکی که خم شده در سطل آشغال و تصویر کنارش که چند تا مسلمان دارن پول میریزن تو فلان ضریح دیده نمیشه؟! دقت کردید امسال هیچ براندازِ و اسلام‌ستیزی دلش نسوخت به حال زلزله‌زده‌های کرمانشاه که زائرا رو توصیه کنه به جای کربلا برن اونجا. دلیل همه اینا فقط یه نکته است! این جماعت امسال خیالشون راحته اربعین میلیونی برگزار نمیشه! وگرنه این جماعت عربده‌کش دروغگو، نه دلشون به حال فقرا سوخته و نه به حال زلزله‌زدگان کرمانشاه و نه به حال کودک خمیده در سطل آشغال و نه به حال شهدای هشت سال جنگ تحمیلی نه نگران گران شدن میوه و نه نگران کمبود سیب‌زمینی و گوجه و پیاز برای مردم ایران! مشکل این جماعت معلوم‌الحال نشانه گرفتن اصل دین و دشمنی با اهل بیت و ساحت مقدس امام حسین (ع) و تخریب باورهای دینی و ایجاد حس قومیت علیه مذهب است.

مسئله هفت‌تپه در ۴ سال گذشته که سیاسی نبود

سیدنظام‌الدین موسوی، نماینده تهران توییت کرد: چندی پیش معاون اول رئیس‌جمهور و امروز رئیس دفتر رئیس‌جمهور ادعا کردند که مسئله هفت‌تپه سیاسی شده است. آقای جهانگیری! جناب واعظی! ما فقط دو ماه است پیگیر مطالبات کارگران هفت‌تپه شده‌ایم. این کارگران چهار سال است به خاطر تضییع حقوق خود فریاد می‌زنند. چرا فریادشان را نشنیدید و حل نکردید؟

وقتش است سبک آموختن را تغییر دهیم

ابوالفضل اشناب در صفحه اینستاگرام خود نوشت: موقعی که به ما گفتند برید مدرسه، تقریباً تمام خوشبختی و امید و آرزوهامون رو گره زدن به مدرسه رفتن و تا ته تهش درس خوندن. هیچ فرقی نمی کرد چه علاقه‌ای داشته باشی یا بخوای چی بشی؛ همه چیز از مسیر درس و دانشگاه می گذشت. حتی معتاد هم می‌خواستی بشی، می گفتند درست رو بخون و کنارش اعتیاد رو هم ادامه بده یا معتاد خوب، معتادیه که درسشو خوب خونده باشه.
تقریباً تنها ملاک برتری هم نمره بود و اونی که درسش ضعیف بود، یه بچه تنبل و کودن حساب می‌شد که آینده‌ای وحشتناک داره و به اصطلاح همون زمان، هیچ پخی نمیشه و باید بره بمیره! سر همینم دنیای خیلی از بچه‌های کوچولو شده بود اون معدل که اگر ۲ دهم پایین میومد، جهان کودکی‌اش تیره و تار می‌شد. اوایل دهه ۹۰ که وضعیت اقتصادی به هم ریخت، محاسبات خیلی از طرفدارای «خوشبختی فقط با درس» هم خراب شد. بعدش هم زلزله شدیدی توی بازار کار اومد و طرفداران مدل: «درس- کار- ازدواج- خوشبختی» سکوت کردند. این وسط حضور نت و گوشی هوشمند، دنیای وسیع‌تری رو نشون بچه‌ها داد و ثابت کرد همه موفقیت و خوشبختی در ۲۰ گرفتن نیست!
توی اینکه علم‌آموزی در ذات بشره و انسان مداوم باید یاد بگیره، شکی نیست، اما حالا که خیلی چیزا عوض شده و کرونا هم مثل یه سیل عظیم- بعد از زلزله‌هایی که گفتم- همه چیز رو شسته و برده و ماه‌هاست آموزش رو تعطیل کرده، وقتش نیست سبک آموختن رو یه تغییری بدیم یا حداقل فکرمون رو در مورد مدل آموزش نسل‌های بعدی‌مون درست کنیم؟

سیدولی شجاعی | صدا و سیما

اعتراض کاربران شبکه‌های اجتماعی به رانت و انحصار شرکت‌های خودروسازی

پشت انحصار پناه گرفته‌اند و بر سر خریدار منت می‌گذارند

کشف پارکینگ‌های پر از خودروی صفر کیلومتر در کنار افزایش سرسام‌آور و عجیب و غریب قیمت‌های خودرو صدای اعتراض کاربران شبکه‌های اجتماعی را در آورده است. آنها معتقدند این قیمت‌های عجیب هیچ تناسبی با کیفیت خودروهای تحویلی به مردم ندارد و اصلی‌ترین مانع بهبود کیفیت خودروها، مافیایی است که با رانت و انحصار صنعت خودرو را به نابودی کشانده است.

کاربران همچنین معتقدند شکست انحصار شرکت‌های خودروسازی با ورود شرکت‌های خصوصی، می‌تواند راه‌حلی مناسب برای بهبود و توسعه این صنعت باشد، البته آنها اذعان داشتند که شکستن انحصار به معنای بازگذاشتن راه واردات خودروی خارجی نیست که در این صورت ضربات جبران‌ناپذیری به صنعت خودرو وارد خواهد شد. در ادامه بخشی از واکنش کاربران را می‌خوانید.

■ **محمود کریمی بیرانوند:**
آقایان اقتصاددان سینه چاک اقتصاد بازار آزاد! لطفاً رقابت کامل بین خودروسازی‌های داخلی را جار بزنید تا مسئله کیفیت و قیمت خودرو حل شود. اجازه ورود عرضه‌کنندگان جدید به بازار خودرو را بدهید. با واردات خودروی خارجی این صنعت نابود می‌شود، مسئله حل نمی‌شود!

■ **حجت‌الله عبدالملکی:**
در حالی که مشکلی در قطعه‌سازی نداریم، رانت و انحصار و محدودیت در تولید خودرو باعث شده این کالای مصرفی به محصولی برای سفته‌بازی تبدیل شود. راه‌حل: به همه کسانی که توانایی تولید خودرو دارند اجازه داده شود، مشروط بر اینکه ظرف ۱۰ سال حداقل ۷۰ درصد محصولشان ایرانی شود.

■ **فائزه طلایی:**
خودروسازان اگرچه اعتقاد به ساخت خودروی ملی دارند، اما کارشناسان معتقدند که این توان با وجود مافیای خودرو امکانپذیر نخواهد بود با کنار زدن رانت و انحصار از صنعت خودرو پیشرفت خودروسازی حاصل خواهد شد.

■ **طالبی دارستانی:**
علم بهتر است یا ثروت؟! چیزی که در صنعت خودرو مشاهده می‌شود رانت یک عده قلیل جهت منع ورود ثروت و علم برای خدمت به خلق است. بازار فعلی صنعت خودروی ما در حال اثبات این معناست که رانت بهتر است از علم و حتی از ثروت!

■ **وحید زارع فکری:**
وقتی خودروسازها مسئولیتی در قبال جان مردم قبول نکردند و نمی کنند، چه توقعی است در قبال پیشرفت صنعت و اقتصاد کشور نقشی بپذیرند. پشت انحصار پناه گرفته‌اند و بر سر خریداری که چاره‌ای جز کشیدن ناز آنها ندارد، منت هم می گذارند! تنها دلایلی که می‌شود برای پذیرش انحصار یک تولیدکننده آورد، حمایت از آن برای طی کردن دوره بلوغ یا حمایت از مصرف‌کننده است. حفظ انحصار برای این دو خودروساز که برای مالک زیان می‌سازند و برای مصرف‌کننده بلای جان هستند، چه توجیهی دارد؟

■ **اکبر ابدالی:**
مهم‌ترین مشکل خودروسازی را مدیریت غیرانقلابی می‌دانم. جریان مشکوکی در گذشته مانع نوآوری در این صنعت شده است. ۲۰ سال، پژو و رنوی فرانسه در خودروسازی ما بودند که حاصلی جز وابستگی و واردات نداشت. راهکار اصلی، اجازه نوآوری به متخصصان جوان ایرانی است.

■ **کاربری با نام «فامیل دور»:**
چندین ساله که تصاویر مختلف از خودروهای دپو شده در پارکینگ خودروسازان منتشر میشه و هیچ کس رسیدگی نمیکنه! اگه این حجم از خودرو وارد بازار بشه چقدر قیمت خودرو کاهش پیدا میکنه؟ یه جوون تا کی باید در حسرت خرید یه پراید بیخودی بمونه؟ تف به شرف اونایی که دستشون تو جیب مردمه!

■ **رضا عموزاد:**
اگر اجازه ورود به بخش خصوصی به تولید خودرو را بدهید، هم اشتغال فراوان ایجاد می‌شود و هم قیمت خودرو کاهش پیدا می‌کند. در اثر رقابت کیفیت خودروها نیز بیشتر می‌شود.

■ **هادی روح:**
حتماً برای رقابت لازم نیست واردات خودرو داشته باشیم و می‌توانیم با میدان دادن به بخش خصوصی رقابت سالم ایجاد کنیم تا تولیدکننده، تعیین کننده نباشد. مشکل فعلی ما این است که تولیدکننده نرخ بازار را تعیین می کند.

■ **علی نیکنام:**
تنها راه تولید خودرو با کیفیت و ارزان در ایران نابود کردن مافیای خودرو در بخش مدیریتی و قطعه‌سازی و ایجاد فضای رقابتی برای تولیدکنندگان خودرو است.

■ **ابراهیم کریمی:**
تا زمانی که صنعت خودروسازی از انحصار درنیاید و فضای رقابتی بین چندین شرکت و کارخانه داخلی (تأکیداً داخلی و نه واردات!) به‌وجود نیاید، دلالان و مافیای خودرو همچنان خون مردم را خواهند مکید و همچنان شاهد رانت و انحصار خواهیم بود!

■ **محمد شهامت:**
برخی از قطعه‌سازان با ایجاد شرکت‌های تو در تو سهامداران عمده خودروسازها هستن. حتی تو هیئت‌مدیره هم نماینده دارن. همین‌ها قطعه از چین وارد می‌کنن و با برچسب تولید داخل چند برابر قیمت به خودروسازها می‌فروشن. اژدهای مافیا چند تا سر داره، خدا می‌دونه.

تحلیل

راه و بیراهه حمایت از بورس

دکتر علی مروی در کانال تلگرامی «اقتصاد به زبان ساده» نوشت: بازار سرمایه در ماه‌های گذشته تحولات گوناگونی را تجربه کرده است. از هجوم بی‌سابقه مردم برای خرید سهام که رشد هیجانی قیمت‌ها را به همراه داشت تا ریزش‌های مستمر هفته‌های اخیر که سیاست‌گذار را دستپاچه کرده است.
در این شرایط خطیر نحوه مواجهه دولت با این بازار اهمیت مضاعفی پیدا کرده است. گرچه دولت در ماه‌های گذشته به‌دلیل اهمال در اجرای اقدامات مناسبی مانند فروش مستقیم سهام دولت در بازار، رفع موانع عرضه خرد سهام توسط سهامداران عمده، الزام به افزایش سهام شناور آزاد و تسهیل فرآیند افزایش سرمایه به صرف عملاً فرصت‌سوزی کرد، اما هنوز هم فرصت برای توسعه و تعمیق اصولی این بازار از بین نرفته است. اکنون دو راهی مهمی پیش روی دولت قرار دارد:
الف- حمایت از سهامداران در قالب جمع کردن صف‌های فروش (و خصوصاً صف‌های فروش سهم‌های شاخص‌ساز) از طریق فشار به حقوقی‌های دولتی، تزریق منابع صندوق تثبیت و فشار به بانک‌های دولتی برای اعطای وام خرید سهام به برخی شرکت‌های سرمایه‌گذاری و اشخاص حقوقی؛ مسیری که تاکنون مورد علاقه و تمرکز وزارت اقتصاد بوده است. این گزینه گرچه ممکن است خوشحالی کوتاه‌مدت برخی سهامداران و ذینفعان پرنفوذ بازار را به همراه داشته باشد، اما در میان‌مدت به افزایش بی‌اعتمادی سرمایه‌گذاران حقیقی مهم و خروج آنها از این بازار ختم خواهد شد و تبعات تورمی سنگینی بر کشور تحمیل خواهد کرد. ضمن اینکه در میان‌مدت و بلندمدت نیز به وضعیت فعلی بازخواهیم گشت! یادمان نرود که حتی اگر قیمت تعادلی سهام شرکت‌ها از قیمت فعلی آنها کمتر باشد، ابعاد بورس ما در حال حاضر بسیار بزرگ‌تر از آن است که بتوان با حمایت‌های دستوری و مقطعی از افت بیشتر آن جلوگیری کرد. در صورتی که قیمت تعادلی بازار بیش از قیمت‌های فعلی باشد هم اساساً نیازی به حمایت دولت نیست و عدم مداخله نامناسب در بازار بهترین کمک به آن برای تصحیح این وضعیت است.
این مسیر خطرات دیگری هم دارد. تزریق منابع یا اعمال فشار به حقوقی‌ها برای جمع کردن صف‌های فروش عملاً مسیر خروج منابع متعلق به اشخاص حقیقی از بازار را هموار کرده است و باعث انتقال ریسک بورس به سایر بازارها از جمله بازار ارز و طلا خواهد شد. به عبارت دیگر، این اقدام ریسک بالای بورس را به کل اقتصاد تسری می‌دهد و قابلیت این را دارد که منجر به تورم‌های بالا در کوتاه‌مدت شود. توجه کنیم که نظارت بر عملکرد تعداد بسیار زیادی بازیگر حقیقی و جلوگیری از سفته‌بازی آنان در بازارهای ارز و طلا بسیار سخت‌تر از نظارت بر بازیگران حقوقی محدودی است که دولت آنها را وادار به خرید سهام می‌کند.
ب- اعمال اصلاحات اساسی در ساختار بازار و تغییر رفتار دولت در نحوه مواجهه با شرکت‌ها و بازار محصولات مختلف. در این مسیر باید سیاستگذار ابتدا به اجرای اصلاحات ساختاری مهم در بازار سهام بپردازد. متأسفانه به‌دلیل مقررات زاید و مشکل‌سازی که از سال‌های گذشته بر بازار سهام تحمیل شده بود، کارکرد بهینه این بازار مختل شده و جذابیت ذاتی آن را به میزان قابل توجهی تحت‌تأثیر قرار داده است. محدودیت دامنه نوسان و وجود حجم مبنا در تعیین قیمت پایانی، عملاً زنجیرهای بزرگی بر دست نامریی بازار افکنده‌اند؛ به‌طوری که این بازار زمان زیادی نیاز دارد تا اثر شوک‌های بیرونی را در اصلاح قیمت‌های نسبی منعکس کند. این دو عامل باعث شده که هم در مواقع افزایش و هم در ریزش، بازه زمانی زیادی نیاز باشد تا بازار به تعادل برسد؛ ضمن اینکه نقدشوندگی بازار در مواقع ریزش را نیز کاهش داده است. بر این اساس، لازم است که سیاستگذار ضمن افزایش یا حذف دامنه نوسان، حجم مبنا را نیز کنار بگذارد. این اصلاحات حذف برخی رانت‌ها مانند سرخطی زدن را نیز به‌دنبال خواهد داشت.
مشکل ساختاری دیگر بورس، تمرکز مالکیت بالای شرکت‌هاست که منجر به پایین بودن سهام شناور آزاد آنها شده است. امکان عرضه درصد کوچکی از سهام یک شرکت در بورس در عرضه‌های اولیه باعث شده است که بخش عمده سهام آن شرکت تحت کنترل یک یا چند سهامدار عمده بماند و در عمل گرچه شرکت‌ها از عنوان سهامی عام برخوردار می‌شوند، اما چنین ویژگی‌ای ندارند. بر این اساس، لازم است که قوانین مرتبط اصلاح شود و سهام شناور آزاد افزایش یابد.
وجود موانع ورود به بازار خدمات سبدگرانی و همچنین اعمال محدودیت‌های غیرضروری (مانند محدودیت پذیرش حداقل سرمایه) بر فعالیت آنها نیز بر خروجی بازار سایه افکنده است. باید با حذف موانع ورود، رقابت بین صندوق‌های سبدگردان را تضمین کرد و کیفیت خدمات آنها را افزایش داد. اصلاح محدودیت‌هایی مانند محدودیت پذیرش حداقل سرمایه هم امکان استفاده سرمایه‌گذاران بیشتری از خدمات آنها را می‌دهد. ضمن اینکه می‌توان شرایط و زیرساخت‌های لازم برای فعالیت سبدگردانی اشخاص حقیقی را نیز فراهم کرد.

پاورقی «جوان» از «اتاق حوادث» جان بولتون
۶۴
ترجمه: محمدصادق عبداللهی

پمپئو همان شب دستور داد یووانویچ به واشنگتن بازگردد

چند روز بعد، ۲۳ آپریل، من به دفتر ریاست جمهوری احضار شدم و دیدم که ترامپ و مولوانی مجدداً به صورت تلفنی با جولیانی درباره یووانویچ حرف می‌زنند. جولیانی همچنان برای اخراج یووانویچ پافشاری می کرد. او برای ترامپ خبر آورده بود که یووانویچ با رئیس‌جمهور جدید اوکراین، یعنی زلنسکی صحبت کرده و گفته است که ترامپ شخصاً می‌خواهد برخی از تحقیقات دادستان‌های اوکراینی متوقف شود. این حرف ترامپ را عصبانی کرده بود.
به نظر جولیانی، یووانویچ داشت از هیلاری کلینتون حمایت می کرد که ادعا شده بود کارزار انتخاباتی‌اش سوژه‌ای برای تحقیقات کیفری اوکراینی‌ها شده بود و آن تحقیقات، ارتباطاتی هم به هانتر، پسر جو بایدن، داشت. جولیانی شنیده‌های دست سوم یا چهارم را نقل می کرد و در مکالماتش هیچ سندی برای ادعاهایش ارائه نمی‌داد. به من گفت که درباره یووانویچ با پمپئو حرف زده‌ام و دوباره هم با او مسئله را چک می‌کنم. ترامپ باورش نمی‌شد که پمپئو هنوز یووانویچ را اخراج نکرده است. ترامپ بدون هیچ اما و اگری خواستار اخراج او بود. ترامپ گفت باید فوراً از پمپئو خبر بگیرم که ماجرا از چه قرار است و باید با زلنسکی تماس بگیرم تا تصریح کنم که حرف‌های یووانویچ به نیابت از دولت نیست. البته چون دقیقاً نمی‌دانستیم که یووانویچ به زلنسکی چه گفته، روشن نبود که باید به زلنسکی بگویم، کدام حرف‌ها را نادیده بگیرد.
به دفترم برگشتم و حدود چهار بعدازظهر توانستم پمپئو را تلفنی گیر بیاورم. او گفت که از یکم ژوئن گفته که دوره سفارت یووانویچ اواخر نوامبر یا اوایل دسامبر تمام می‌شود و مدتی پیش هم همین را به ترامپ اطلاع داده و او هم مخالفتی نکرده است. پمپئو می‌خواست ماجرا را رها کنیم تا همین‌طور تمام شود. به او گفتم چون یووانویچ به طور کاملاً نرفته است، حال و هوای دفتر ریاست جمهوری طوفانی است که او هم گلایه کرد. پمپئو دوباره به گفت‌وگوهای قبلی‌اش با جولیانی اشاره کرد که جولیانی نتوانسته بود هیچگونه جزئیاتی از آنچه ادعا می کرد اتفاق افتاده است، ارائه دهد، اما طی چندین ماه گذشته مرتباً این مسئله را برای ترامپ مطرح می کرد. البته پمپئو این را هم گفت که اسنادی از سفارتمان در اوکراین به دست آورده که می‌خواهد آنها را برای وزارت دادگستری بفرستد و احتمالاً پای یووانویچ و سفیر قبلی هم در آنها گیر باشد. سرانجام پمپئو گفت همین امشب به یووانویچ دستور می‌دهم که به واشنگتن بازگردد. حالا که دستور بازگشت او صادر شده بود، دیگر نیازی نبود که به زلنسکی زنگ بزنم، از قبل هم تمایلی برای تماس با او نداشتم، در نتیجه زنگ هم نزدم.

همین یک ابوریحان کافی بود

مهدی توییت کرد: فرض کنید تمدن غربی دانشمندی می‌داشت که هزار سال قبل گردش خورشید، گردش محوری زمین و... را دقیق تعریف می کرد و ۱۴۶ رساله در زمینه‌های نجوم، ریاضیات، تاریخ، جغرافیا و... می‌داشت؛ چگونه ازش در جهان یاد می کردند!؟ امروز سالروز درگذشت «استاد جاوید» دانشمند مسلمان ابوریحان بیرونی است. ما ایرانی‌ها بی‌عرضه‌ایم که نمی‌توانیم خودمان را در دنیا سرآمد و پدر علم و اخلاق نشان بدهیم وگرنه همین یک ابوریحان کافی بود!

روش عجیب مرد بریتانیایی برای خودداری از زدن ماسک در هواپیما

کانال تلگرامی «عرصه‌های ارتباطی» نوشت: یک مرد بریتانیایی روشی را یافت تا یک قانون جدید یعنی استفاده اجباری از ماسک در طول پرواز را دور بزند. این مرد ۴۱ ساله بریتانیایی، یکی از مسافران پرواز ایزی‌جت به سمت تنریف در جزایر قناری اسپانیا بود و در این پرواز (۲۵ آگوست) حتی یک لحظه هم ماسک بر صورت نداشت. او یک بسته چیپس استوانه‌ای پرینگلز با طعم نمک و سرکه در دست داشت و هر دو و نیم دقیقه یکبار یک دانه از چیپس را در دهان می گذاشت و این کار را تا پایان سفر ادامه داد.
او خودش در حساب کاربری‌اش در فیسبوک این اقدام خاص را شرح داده است: من قبل از سوار شدن به هواپیما، بررسی کردم که چند عدد چیپس در بسته وجود دارد و سپس آن را بر اساس زمان پرواز تقسیم کردم تا بفهمم با چه ریتم زمانی باید آنها را بخورم. او همچنین با افتخار تأکید کرد که تنها ۱۰ دقیقه برای رفتن به دستشویی و همچنین گذاشتن چمدانش در محفظه بالای صندلی هواپیما ماسک به صورتش داشت. این مرد بریتانیایی در کنار انتشار تصویری از جعبه چیپس و یک فنجان یکبار مصرف قهوه نوشت: «شما می‌توانید هنگام غذا خوردن یا آشامیدن در هواپیما ماسک خود را بردارید.» آقای ریچارد را در این سفر همسر ۳۷ ساله و دو فرزند شش ساله و ۱۰ ساله‌اش همراهی می‌کردند. این خانواده دو هفته در جزایر قناری اقامت کردند.
کاربران زیادی در شبکه‌های اجتماعی به این ماجرا واکنش نشان دادند. برخی کار این مسافر را تأیید کردند و نوشتند که ایده خوبی است، اما یکی از کاربران تأکید کرد از اینکه در آن هواپیما نبوده، خوشحال است. گرچه حجم نظرات انتقادی به این اقدام بالا بود، اما وی تأکید کرد که این نظرات مانع از آفتاب گرفتنش در تنریف و لذت بردنش از تعطیلات نشده است.
با این حال شرکت هواپیمایی ایزی‌جت اعلام کرد که هیچ مسافری از این اقدام آقای ریچارد شکایت نکرده است. این شرکت تأکید کرد که طبق دستورالعمل‌های جدید استفاده از ماسک در طول پرواز جز به هنگام غذا خوردن یا آشامیدن اجباری است. این مسافر همچنین گفته است که از اهمیت زدن ماسک برای مقابله با ویروس کرونا آگاه است، اما در استفاده از آن راحت نیست.